

تجارت جهانی

نیمه پر یا خالی لیوان؟

تجارت جهانی رو به بهبود است، اما مشخص نیست این جهش تا چه اندازه پایدار باشد.

تولیدکنندگان در کشورهای ثروتمند کمک می‌کند. اما تقاضا از سوی مصرف‌کنندگان عادی در کشورهای فقیرتر، بیشتر موجب توسعه صادرات در دیگر کشورهای در حال توسعه خواهد شد. به همین ترتیب، حجم صادرات از اقتصادهای نوظهور در سه ماه منتهی به دسامبر ۲۰۰۹ حدود ۸/۷ درصد رشد داشته و صادرات کشورهای پیشرفته تنها ۱/۴ درصد افزایش یافته است. عملکرد چین و پیشی گرفتن آن از آلمان به عنوان بزرگترین صادرکننده جهان می‌تواند مثال خوبی در این زمینه باشد. باید گفت اقتصادهای نوظهور در کنار تلاش برای افزایش میزان صادرات خود، در حال تبدیل شدن به منابع اصلی تقاضای کالاهای تجاری در جهان هستند و این مسئله به خوبی در میزان واردات آنها مشهود است، به طوری که در سه ماه پایانی سال گذشته، میزان واردات کشورهای مذکور ۷/۴ درصد افزایش داشته است. در این مدت، واردات به کشورهای پیشرفته تنها ۳/۹ درصد رشد یافته است. ■

اقتصاد جهان و تجارت به همراه خواهد آورد.

به علاوه، شدت بازگشت رونق از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است. داده‌های به دست آمده از میزان صادرات، حاکی از قوت گرفتن رشد اقتصادهای نوظهور و تداوم عملکرد ضعیف کشورهای ثروتمند هستند.

تقاضای سرمایه‌گذاری از سوی کشورهای نوظهور به



آمارهای منتشر شده توسط دفتر مرکزی برنامه‌ریزی هلند (CPB) در ابتدای مارس ۲۰۱۰ حکایت از بازیابی مؤثر این بخش در اواخر سال ۲۰۰۹ دارند. مطابق آمارهای مذکور، حجم تجارت جهانی در سه ماه پایانی سال ۲۰۰۹ با افزایش ۶ درصدی مواجه شده است. نتایج حاصله، تأییدی است بر این امر که تجارت در سطح جهان تا حد زیادی تحت

تأثیر رکود جهانی قرار گرفته است. برآورد CPB نشان می‌دهد که حجم تجارت در یک روند تناوبی طی سال ۲۰۰۹ حدود ۱۳/۲ درصد کاهش یافته است. پیش از این هم در دو سال متفاوت این کاهش دیده شده است، اما باید گفت کاهش‌های ۱/۹ درصدی حجم تجارت در سال ۱۹۷۵ و ۰/۹ درصدی در سال ۱۹۸۲ با افت کلان سال گذشته قابل مقایسه نیست.

با وجود این، نشانه‌های آغاز رونق اقتصادی مشهود است. با این که رشد ضعیف ۱/۲ درصدی در ماه اکتبر و ۱/۱ درصدی در ماه نوامبر، متزلزل بودن این رونق را گواهی می‌داد، اما حجم تجارت تنها در ماه دسامبر ۵ درصد افزایش یافته است.

البته خوش‌بینی بیش از حد در مورد پایدار بودن رونق در تجارت و سپس اقتصاد جهانی هنوز بسیار زود به نظر می‌رسد. آمارهای بانک جهانی که به جای حجم تجارت، ارزش تجاری را در نظر می‌گیرند، به شتاب کاهنده تجارت در سه ماه پایانی ۲۰۰۹ اشاره دارند، نه افزایش سرعتی که آمارهای CPB ارایه کرده‌اند. بانک جهانی معتقد است که ارزش صادرات در میان ۵۶ کشور که بزرگترین سهم تجارت جهان را به خود اختصاص می‌دهند، در سه ماه پایانی سال ۲۰۰۹ همچنان روند افزایشی داشته، اما این روند نسبت به سه ماه پیش از آن از سرعت کمتری برخوردار بوده است.

گفتنی است آمارهای مربوط به ارزش تجارت تا حدی نشان‌دهنده نوسانات نرخ ارز هستند، به همین دلیل است که نتایج به دست آمده از آن با آمارهای مربوط به حجم تجارت متفاوت هستند.

چشم‌انداز تجاری

می‌توان تهدیداتی را که پیش روی رونق تجارت جهان قرار دارند به آسانی شناسایی کرد. تقاضای جهانی به واسطه دخالت دولت‌ها در سطح وسیع همچنان ادامه می‌یابد و توقف آن اگر بی‌موقع رخ دهد، خطرات تازه‌ای را برای

احیای تولید صنعتی جهان

ضربان یأس و امید

آمارهای منتشر شده و بررسی‌های صورت گرفته در مارس ۲۰۱۰ نشان می‌دهند که تولید صنعتی کارخانه‌ها در سراسر جهان از افزایش قابل توجهی برخوردار بوده است. طبق آمارها، شاخص تولید صنعتی آمریکا در ماه مارس بهترین میزان را از سال ۲۰۰۴ به ثبت رسانده و بخش تولیدی چین نیز برای سیزدهمین ماه متوالی از رشد برخوردار بوده است. همچنین بررسی وضعیت تقاضای مواد اولیه جهت تولید محصولات، مبین روند رو به رشد فعالیت‌های بنگاهی در کشورهای مذکور است. به علاوه، اغلب کشورهای حوزه یورو، تولید کارخانجات خود را توسعه داده‌اند، به گونه‌ای که آلمان در ماه مارس بیشترین رشد تولید صنعتی را در دهه گذشته داشته است. می‌توان گفت در میان کشورهای صنعتی جهان، تنها یونان است که به دلیل درگیری با مشکلات ناشی از بله‌های خود، با کاهش تولید مواجه شده است.

اقتصادهای بزرگ کمر راست می‌کنند

هنوز بخش‌های دیگر اقتصاد آمریکا با مشکلاتی مواجه هستند. اثرات طولانی مدت بحران اعتباری جهانی، عدم اطمینان در مورد استرداد کمک‌های مالی کلان دولت و محدودیت قابل توجه تقاضا - ناشی از نرخ بالای بیکاری - از جمله این مشکلات هستند.

تولید صنعتی در بسیاری از نقاط جهان همچنان با میزان حلاکتی پیش از شروع بحران فاصله زیادی دارد. در حوزه یورو، تولیدات کارخانه‌ای در ماه ژانویه ۱۶ درصد

کمتر از نقطه اوج خود در آوریل ۲۰۰۸ گزارش شده بود و تولید کارخانه‌های آمریکا هم در ماه فوریه ۱۲ درصد کمتر از میزان پیش از بحران بوده است. تنها، تولید در آسیا بالاتر از سطحی قرار دارد که پیش از بحران اقتصادی به آن رسیده بود.

باید گفت تولید صنعتی یکی از نخستین بخش‌های اقتصاد است که پس از پایان یک بحران اقتصادی، احیا می‌شود. اما رکود مالی اخیر، عمیق‌تر و طولانی‌تر از هر رکودی بوده که پس از جنگ جهانی دوم به وقوع پیوسته است. بنابراین، بخش‌های بزرگ اقتصاد آمریکا و دیگر کشورهای جهان - از جمله املاک و ساختمان و هزینه‌های مصرف‌کننده - نمایانگر تداوم آسیب‌های اقتصادی هستند. بسیاری از کارفرمایان هنوز نسبت به استخدام نیرو تمایل چندانی ندارند.

در میان تولیدکنندگان جهانی، چینی‌ها همچنان پیشتاز هستند. با آغاز اثربخشی برنامه محرک بزرگ دولتی، بخش کارخانه‌ای این کشور در مارس ۲۰۰۹ کمر راست کرد و سفارشات فرامرزی به وضع سابق بازگشت، به گونه‌ای که صادرات آن پس از ۱۳ ماه تزلزل، در ماه دسامبر بار دیگر رو به افزایش گذاشت. این روند تا اتمسال ادامه داشته و به بیش از ۳۱ درصد رسیده است.

آغاز بهبود تقاضای جهانی سبب شده است قیمت تولیدکننده در بسیاری از نقاط جهان افزایش یابد؛ به طوری که قیمت عمده فروشی در چین ۵/۴ درصد در ماه فوریه افزایش یافته و شاخص قیمت سوخت، مواد اولیه و برق با ۱۰/۳ درصد رشد مواجه بوده است. این افزایش قیمت‌ها چشم‌اندازی را برای اتخاذ سیاست‌های پولی سختگیرانه‌تر در سراسر جهان، به ویژه در اقتصادهای نوظهور ارایه می‌کنند که در مجموع، ریسک تازه‌ای برای استمرار رشد جهانی به وجود می‌آورند.